

ماجرای عشق و عاشقی میدون

آموزش وزارت



پوریا عالمی

● بابای سوفیا عاشق وزارت است. او بچه که بوده دوست داشته سفیر کبیر قبیقه شود منتها آن زمان شایسته‌سالاری نبوده و او مسئول ماست‌بندی در خیابان جیحون می‌شود. بعدها که شایسته‌سالاری شد، بابای سوفیا با توجه به سابقه درخشان و متعهدی که در ماست‌بندی داشت، شد مسئول بستن آب به برنامه‌های تلویزیون، برنامه‌های دولت و برنامه‌های امیدوارنگه‌داشتن مردم. بعدها بابای سوفیا چون کمکان شایسته‌سالاری می‌شد، شد رئیس کل رؤسای بلااستفاده، رؤسای بلااستفاده دقیقاً آدم‌های شایسته‌ای هستند مثل بابای سوفیا که به حدی تمام‌وکمال هستند که از همان اول بدون اینکه دقیقاً کار خاصی کرده باشند باید مدیر شوند. همین‌طوری بود که دولت که قرار بود روزبه‌روز کوچک‌تر شود، لحظه‌به‌لحظه بزرگ‌تر شد. طوری که الان هر وزارتخانه ۷۰۰ معاونت دارد که روی ۷۰۰ سازمان دیگر که شغلهشان نظارت روی ۷۰۰ اداره دیگر است نظارت می‌کنند. بابای سوفیا هم مثل یکی از همین‌ها. متأسفانه تعداد وزیر در جامعه کم است و اگر کسی بخواد وزیر یا سفیر بشود به‌راحتی حقش خورده می‌شود. بابای سوفیا هم همیشه حقش خورده شده است. هر دفعه هر رئیس‌جمهوری می‌آید، به بابای سوفیا می‌گوید بیا وزیر شو. منتها از جاهایی زیرآب بابای سوفیا را همیشه زده‌اند. مجلس هم همیشه دولت را فشار داده که سمت آدم‌های کارکنته‌ای مثل بابای سوفیا نزنند. برای همین مشکلات و تنگ‌نظری‌هاست که همیشه کسانی وزیر می‌شوند که دورترین نسبت را با حوزه وزارتخانه‌شان دارند. خب بابای سوفیا به نظر شما از علی جنتی یا صفارهرندی بدتر است؟ بابای سوفیا خودش معتقد است او با آن سابقه روشن و کارنامه غنی و مغنی که دارد، اگر وزیر ارشاد بشود، اوضاع فرهنگ مملکت بدتر از اینی که هست نمی‌شود چراکه اوضاع در نامتربن حالت ممکنش است. در ضمن بابای سوفیا معتقد است هرگز دچار فساد اقتصادی در وزارت نمی‌شود چون اصولاً دیگر پولی نم‌اند که بخواد تخویرجور کند. برنامه بابای سوفیا برای وزیری‌کردن وزارت ارشاد این است که همه کارمندان وزارتخانه را شایسته‌سالاری کند و بفرستد روی ماشین کار کنند و با پولی که درمی‌آورند بدهی‌های وزارتخانه را بدهند. بابای سوفیا معتقد است اهالی فرهنگ و هنر و ادبیات هم حساب کار آمده دستشان و تا ۶۳ سال اگر کسی بهشان نظارت نکند، خودشان خودبه‌خود خودنظارتی دارند و چیز بدی تولید نمی‌کنند.

وصیت

از خواندگان عزیز و از سوفیای نازنازای‌ام عذر می‌خواهم که ستون امروز پررئاز بابای سوفیا شد. چون بابای سوفیا قول داده که اگر وزیر ارشاد بشود من را می‌کند معاونی، چیزی که من هم بمل... در ضمن اگر بابای سوفیا بشود وزیر، رسماً برای خودش می‌شود آقای و در نتیجه سوفیا هم می‌شود آقای‌آزاده و من هم که عاشق آقای‌آزاده‌ام، پس وقتی، هم عاشق سوفیا باشم، هم عاشق آقای‌آزاده‌ها عشم به سوفیا دوبار می‌شود و دیگر توپ تکلمان نمی‌دهد.

یادآر

یک عمر تلاش برای خدمت به کودکان



محمود برآبادی

● هفته پیش زادروز یکی از نخستین فعالان ادبیات کودک در ایران است. منصوره راعی نظریه‌پرداز ادبیات کودک، آموزگار، استاد دانشگاه و کارشناس برجسته آموزش و پرورش بود. او پژوهشگر روش‌های نوین تعلیم و تربیت، مترجم و نویسنده مقالات متعدد در روش تدریس و مدیریت آموزشی بود. بر زبان‌های انگلیسی، فرانسه و عربی تسلط داشت و مقالات بسیاری را نیز در همین زمینه ترجمه کرد. سال‌ها عضو هیات‌مدیره شورای کتاب کودک و از اعضای فعال انجمن پژوهشی «پویا» بود.

در سال‌های دهه ۵۰ در حرکت نوجوانانه تحول آموزش‌وپرورش، فعالیت داشت و عضو شورای مرکزی طرح مدارس تجربی بود که در جهت تغییر نظام سنتی آموزش کشور به نظام خلاق، کوشش‌های ارزشمندی داشت که با وقوع انقلاب ناتمام ماند. راعی عضو شورای اجرائی و ویراستار فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان که شورای کتاب کودک آن را منتشر می‌کند، بود. دو دوره داورى جایزه «هانس کریستین آندرسن» را هم در کارنامه خود داشت. او به ادبیات به عنوان مقوله‌ای می‌نگریست که سبب سهیم‌شدن کودکان در تجربه‌های دیگران از راه شنیدن و خواندن داستان می‌شود و باعث به‌کارانداختن نیروی تخیل در بازسازی موقعیت‌های داستانی در شرایط زندگی واقعی می‌شود. راعی در سال ۱۳۸۵ پس از ۶۳ سال زندگی توأم با کار و تلاش درگذشت.

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۳ آبان ۱۳۹۵ • ۲۲ محرم ۱۴۳۸ • ۲۴ اکتبر ۲۰۱۶ • سال چهاردهم • شماره ۲۷۱۱ • صفحه اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۳۶ • اذان صبح فردا ۴:۵۶ • طلوع آفتاب ۶:۲۰

روزنفرها



کارتون خواب

علی رومانی

aliromani84@gmail.com

ازدواج زودهنگام کودکان کار، یکی از معضلات اجتماعی



پرسه

قصه موتور‌ها روی کفی

سعید برآبادی: سرباز می‌برد جلوی موتور. راننده به تعلیم آنچه در این سال‌ها یاد گرفته، لابی می‌کشد و می‌رود در خط ویژه اتوبوس. بعد برمی‌گردد و با صدای بلند عذرخواهی می‌کند. هم سرباز و هم او می‌دانند که این بازی گرم‌به‌هوا، بازی هرروز موتورهاست و کسی نباید از آن دیگری ناراحت شود. موتورسوار اما هنوز دور میدان فردوسی را نچرخیده که پلیس نیروی انتظامی جلوبش را می‌گیرد. این دیگر شوخی‌بردار نیست. آرام می‌کند، موتور را می‌کشند کنار و پلیس جوان و قدبلند اولین کاری که می‌کند، برداشتن سوییچ از روی موتور است. «مدارک؟»، راننده هاج‌وواج بسته‌ای پلاستیکی را از دور گردنش باز می‌کند: «بفرما، چیزی نبود به‌خدا، می‌خواستم بیام این طرف واستم». پلیس مدارک را می‌گیرد، اما نگاهشان نمی‌کند.

دو سرباز وظیفه آمده‌اند، موتور را روی دست می‌برند به سمت کفی. کفی را استار کرده‌اند، انگار داخل خیابان ایرانشهر و چند افسر دورش می‌چرخند. یکی‌شان رو به موتورسوارهایی که هاج‌وواج ایستاده‌ان و نمی‌دانند چرا سر شب کفی نصب موتورشان شده، آرام چیزی می‌گوید و آن موتورسوار برای بقیه ترجمه می‌کند: «انگار اینن تو بمیری از آن تو بمیری‌ها نیست. می‌گه



فردا بیاید پارکینگ؟». کدام پارکینگ؟ هنوز معلوم نیست، باید کفی پر شود، مأموران دستور بگیرند و بعد اعلامش کنند. همان راننده اولی به عجز و لایه می‌افتد برای پس‌گرفتن موتورش. ۱۰ بار عذرخواهی می‌کند بابت اینکه به ایست راهنمایی و رانندگی بی‌توجه بوده، منتها انگار وضع چیز دیگری است، یکی دیگر از موتورسوارها می‌گوید! «نه داداش خیلی به این چیزا کاری ندارن. من حتی می‌افتد و همین سر ذوق می‌آوردش: «داداش اینجا رو ببین، شده قیرستون موتور، اصلاً فکر می‌کنی می‌صرفه کسی بیاد موتورش رو دربارۀ؟ نه داداش، یک موتور دست دو فردا بخر، تو هلال احمر آشنا دارم که قسطی می‌ده. انجام وانستا، الان کفی بعدی میاد، ممکنه مشکل‌دار بشم. برید به سلامت». در حال رفتن به سمت ۳۰ متری جی، یکی از راننده‌ها می‌گوید: «من که عشقم رو با این موتور کردم، حالا این نشد یکی دیگه، کیه که بیاد دنبالش دیگه. فدای سرم». آن راننده اما جوابی نمی‌دهد، توی جیبش دنبال سیکار می‌گردد.

با توجه به اخباری که از عراق می‌رسد، قطعاً تا ۱۵ روز دیگر کار تمام است و منطقه شاهد روزهایی خواهد بود که کمتر در پای داعش در آن دیده می‌شود. عملیات بازپس‌گیری موصل، نشان می‌دهد وقتی اراده جهانی بر این قرار بگیرد که یک غده سرطانی مثل داعش از میان برود، این‌کار عملی خواهد شد، همان‌طور که تعلل همین اراده به تولد این غده سرطانی و گسترش بافت‌های سرطانی در منطقه انجامید. در میان هلهله‌ای که برای این پیروزی به راه خواهد افتاد، نگرانی‌ها و تأسف‌هایی هم هست که البته مانند دردی مزمن دیرتر سر خوب‌شدن دارد: هنوز باید نگران بود؛ نگران مردم ناآگاهی که بیش‌ان بذر دشمنی پاشیده شد، به جان هم افتادند و نفهمیدند جنگ و کشتن یکدیگر، تأثیری جز افزایش امنیت بیشتر برای قدرت‌های جهانی و گسترش زرادخانه‌هایشان نخواهد داشت. آیا روزی می‌رسد که بحران داعش در منطقه به پایان برسد و امنیت و آزادی که اولین و طبیعی‌ترین حقوق انسانی مردم اینجاست به آنها پیشکش شود؟ مگر نه اینکه در

نگاه

این ۱۸ میلیون نفر!



سیدحسین موسوی‌چلک
رئیس انجمن مددکاری

آنچه به‌تازگی درباره آمار حلبی‌نشین‌های کشور منتشر شده، حاصل بازنگری در سند مربوط به حوزه سکونتگاه‌های غیررسمی است که در سال ۱۳۹۳ به همت وزارت راه و شهرسازی انجام شد و نامتربن را «سند احیا، بهسازی، نوسازی و توانمندسازی محلات ناآکرامد شهری و بافت فرسوده» گذاشتند. بیش از یک دهه در کشور چنین مطالعاتی صورت نگرفته بود و پذیرش مسئولیت این تلاش، به‌خاطر گسترش مهاجرپذیری شهرها از یک سو و بحران حاشیه‌نشینی از سوی دیگر واقعاً ستودنی است. براساس این سند، محلات ناکارآمد شهری در چهار بخش تعریف شدند؛ بافت‌های فرسوده، بافت‌های تاریخی، سکونتگاه‌های غیررسمی و روستاهایی که به مناطق شهری ملحق شده‌اند و پیمایش طرح نشان داد که مجموع این چهار بخش بیش از ۱۸ میلیون نفر از جمعیت ایران را به خود اختصاص می‌دهند به‌طوری‌که حدوداً ۱۰ تا ۱۱ میلیون نفر از این تعداد در سکونتگاه‌های غیررسمی یا به قول قدیمی‌ها در حلبی‌آبادها ساکنند. چنین آمارِ یک زنگ خطر جدی به‌شمار می‌رود و در این موضوع هیچ شکی نیست چرا که نگاه دولت و مردم، این تعداد نیروی، جزء شهروندان درجده‌و کشور به حساب نمی‌آیند بلکه می‌توان با طرح‌ها و مداخلاتی که براساس مشارکت مردمی انجام می‌شود، پیوند عمیق آنها را با شهرها برقرار کرده و مسیر خدمات‌رسانی به مناطق مسکونی‌شان را هموار کرد. امروز در دنیا بحث بازآفرینی شهری در میان است و خوشحالم که به دلایل مخاطبان بگویم برای اولین‌بار در دنیا، انجمن مددکاری ایران به‌عنوان یک ان‌جی‌او در این میحت وارد شده و با انتخاب شهرستان سبزوار به‌عنوان اولین شهر، کار مداخله با محوریت مددکاران اجتماعی، مردم و نهادهای مردمی شروع شده‌است.

درحال حاضر از ۹۱ شهر مطالعه‌شده، ۹۷۴ منطقه با چنین ویژگی‌هایی شناسایی شده‌اند و نیازمند نگاه جدی‌تری به مقوله حاشیه‌نشینی در آنها احساس می‌شود. تجربیات ما نشان داده که این مناطق جزء حاشیه جغرافیایی نیستند بلکه صرفاً مناطقی‌اند که به دلایل مختلف از خدمات عمومی محروم شده‌اند. ما در این مناطق، معلم، روحانی، خانواده شهید، سالمند، معلول و کودک داریم و برجس‌زدن هرگونه آسیب اجتماعی به این مناطق درست مثل زدن انگ به همه این گروه‌هاست. خواست مردمی در این است که به‌جای تحمیل رویکرد بلدوزری و تخریب این محله‌ها، مداخله‌ای اجتماعی صورت گرفته و زمینه‌های ایجاد سرمایه اجتماعی در آنها فراهم شود. با چنین نگاهی است که می‌توان حتی از این محله‌ها، فرصتی برای ایجاد امنیت پایدار و عدالت اجتماعی مهیا کرد.

سلام به فردا

برای روزهای آخر داعش



قطب‌الدین صادقی

نبود امنیت، هیچ پیشرفتی حاصل نخواهد شد؟ پس چرا شعله‌های آتش این جنگ کورکورانه نواست تمام داشته‌های تمدنی، انسانی و فرهنگی و اقتصادی این

بخش از جهان را نابود کند؟

پس هنوز باید نگران بود، نگران چشم‌های بسته و وجدان‌های به خواب زده شده. نگران آنهایی که امنیت و ثبات منطقه را نشانه رفتند و تا مستقرنشدن دوباره این ثبات، آرامشی در رگ‌های خشک کشورهای خاورمیانه جاری نخواهد شد.

پس هنوز باید نگران بود، نگران تفکری که همراهی کشورهای جهان را برای رفع شر داعش بی‌تأثیر می‌دانست و حالا هم با تمرکز بر منفعت فردی و لحظه‌ای خودش، چنین تلاش‌هایی را بی‌نتیجه می‌داند. همان تفکری که شیفته قدرت و جاه‌طلبی است و متوجه عواقب زبان‌بار و همه‌جانبه آن نمی‌شود. داعش یک تجربه تلخ بود؛ همه در عمل دیدند که این افراط و تفریط‌های بدوی، ققدر ضدانسان، ضدفرهنگ، ضددین و ضدبشریت است و شاید اگر نبود این تجربه تلخ، چنین درکی نیز حاصل نمی‌شد. با این همه نمی‌توان نگرینست و آن همه قربانی را دید که این تجربه تلخ روی دست خاورمیانه گذاشت.

گزارش فردا

حمایت از دریاچه ارومیه ادامه دارد

درخواست «رضا کیانیان» برای همبستگی اجتماعی



۹۰ درصد مساحت خود را از دست داده، در حال تبدیل‌شدن به نماد ملی تخریب محیط زیست در ایران است. در همین حال ایجاد کمپین #من-دریاچه-ارومیه-هستم، در مدت اخیر نشان‌دهنده تلاش مردمی برای جمع‌آوری امضا برای توجه دوباره نهادهای جهانی از جمله سازمان ملل به آن است. کیانیان پیش‌تر در

پست خود تاکید کرد: «اگر ما دریاچه‌مان را نجات دهیم، خودمان را نجات خواهیم داد». او در صفحه اینستاگرامش، به همراهان خود و ایرانیان مسئولیت اجتماعی‌شان را یادآوری می‌کند تا بتوانند آینده‌ای پایدارتر بسازند». اظهارات کیانیان در اینستاگرام در کانال تلگرامی #من-دریاچه-ارومیه-هستم، به اشتراک گذاشته شد که به درخواست او راهاندازی شده بود. پیش از این رئیس‌جمهوری ایران و معاون پارلمانی وی و همچنین لئوناردو دی‌کاپریو، بازیگر مشهور هالیوودی هم از این تلاش‌ها برای احیای دریاچه ارومیه حمایت کرده بودند. پست اینستاگرامی دی‌کاپریو در این زمینه پنج ماه پیش، از مرز ۳۲۸ هزار ۸۵۰ لایک گذشت و او را در میان ایرانیان به قهرمان تبدیل کرد. توئیت و اینستاگرام با پیام‌های تشکر از او پر شدند. از نظر کیانیان «این امر نشانه‌ای از قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی برای جلب توجه به مسائل مهم زیست‌محیطی محسوب می‌شود». با سفر به مشهد دریاچه ارومیه منطقه‌ای را می‌توان دید که بزرگی خود را از دست داده و موجب ازبین‌رفتن حیات پرندگان مهاجر در این منطقه می‌شود، چنین تخریبی افزون بر آسیب به محیط زیست، عواقب وخیم اقتصادی نیز به همراه دارد و می‌تواند صنعت گردشگری منطقه را کاملاً محدود کند و حتی از بین ببرد. در این میان همکاری با شرکای بین‌المللی برای احیای دریاچه ارومیه دنبال می‌شود، نظیر همکاری مشترک سازمان ملل متحد، محیط زیست ایران و دولت ژاپن برای آموزش کشاورزان در شیوه کشاورزی پایدار و کاهش مصرف آب برای افزایش بهره‌وری که در حال انجام است و با ادامه این روند و تلاش‌ها در چند ماه گذشته نشانه‌هایی از بهبود وضعیت دریاچه ارومیه مشاهده شده است. اکنون بسیاری از نام‌های شناخته‌شده با هشتک #من-دریاچه-ارومیه-هستم همراه شده‌اند و هم‌صدایی خود را اعلام کرده‌اند. رخسان بنی‌احمد، فاطمه معتمدآریا، مهتاب کرامتی، معصومه ابتکار، الهام پاپونژاد، عاطفه بروی، شبنم مقدمی، دکتر مولاوردی، بهاره رهنما، پرویز پرستویی، بهرام رادان، سعید معروف، امیر آقایی، یغما گلوبی، حبیب احمدزاده، کمال تبریزی، صادق خرازی، امیر قلعه‌نویی، باشگاه تراکتورسازی، دکتر ابراهیم صفارزاده فعال مدنی، سردار دکتر یعقوب رضازاده معاون سابق مرزبانی ناجا، خانواده شهید باکری، تیم نخبگان ارومیه و افسران سایبری در کنار بیش از یک‌میلیون و ۵۰۰ هزار نفر دیگر همراهانی هستند که برای بازگرداندن زندگی به دریاچه ارومیه دست به دست هم داده‌اند و به قول رضا کیانیان «امیدوارانه سرفه‌های زیرزمینی آب کشورمان کوشش می‌کنند».

پیشخوان

عضو سابق سازمان چریک‌های فدایی خلق که در ادامه با گفتاری از نقشه حجازی و مینو مرتضائی‌لنگرودی همراه شده تا حضور زنان در عرصه سیاست از ابعاد مختلف بررسی شود. حبیب‌الله پیمان نیز در صفحات نخست این شماره، جامعه مدنی را در عصر مشروطه ارزیابی کرده است. ایران فردا ویژه مهر و آبان‌ماه، در ۹۶ صفحه و با قیمت هشت هزار تومان تا پایان آبان‌ماه روی دکه‌های مطبوعاتی است.

بیست‌وچهارمین شماره مجله ایران فردا با گزارشی از سعید مدنی درباره فساد منتشر شد. در این شماره سعید مدنی در ادامه گزارش‌های خود از وضعیت اجتماعی کشور، موضوع «فساد علیه فساد» را مطرح کرده است. از دیگر خوانندگی‌های این شماره ایران فردا، گفت‌وگویی است با سعید حجابیان درباره استراتژی اصلاح‌طلبان در سال‌های پیش‌رو. «زنان چریک: دوگانه عشق و نفرت» گفت‌وگوی مفصل این نشریه است با زهره تنکابنی،

